

کتاب

آذرننگ، عبدالحسین، گام‌های اصلی در نشر کتاب، اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۰، ۲۱۱ صفحه.

این کتاب را می‌توان مکمل مبانی نشر کتاب از همین مؤلف دانست. در مبانی، مؤلف به تدوین اصول و مبانی نشر کتاب پرداخته که جنبهٔ درسی دارد؛ اما، در گام‌های اصلی در نشر کتاب، چنان‌که از نام آن برمی‌آید، به راه‌کارهای عملی و ضوابط و طرح‌های اجرایی و شیوه‌نامه در جریان نشر کتاب پرداخته شده است. بخش‌های کتاب (با عنوان گام اول، گام دوم... گام پنجم) به این شرح‌اند: شناختن و مهیا شدن؛ برگزیدن روش نشر؛ تولید فرهنگی؛ تولید فنی و چاپی؛ انتشار و مراحل پس از آن.

در گام اول، ناشر باید الگوی کار را برگزیند تا، در چارچوب آن، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کند. نویسنده به چهار الگوی کوچک، متوسط، بزرگ، فرامرزی اشاره کرده و هر یک را با جدول نشان داده است. سپس، با طراحی برگهٔ بازبینی، مرحلهٔ آغازین مواردی را که ناشر در گام اول باید به آنها بپردازد بیان کرده است. از جمله، الگوی تعریف‌شده، هدف تعریف‌شده، سیاست تعریف‌شده، راهبرد تعریف‌شده، نوع برنامه،

صورت پدیدآورندگان، صورت کتاب‌ها، صورت حوزه‌ها، روش قیمت‌گذاری، تحلیل بازار، بررسی و نقد ناشران، شیوه‌های برقراری تماس دوسویه و توضیحات دیگر.

گام دوم برگزیدن روش نشر است. نویسنده، در اینجا، به دو روش اشاره کرده است: (۱) اثرگزینی که، در آن، ناشر از میان آثار آماده انتخاب می‌کند؛ (۲) اثرآفرینی که، در آن، ناشر پدیدآورنده را برای آفرینش اثر انتخاب می‌کند. هر یک از این دو روش فعالیت‌های ویژه‌ای را می‌طلبد. نویسنده مراحل کار را در هر دو روش با ارائهٔ برگه‌های تنظیم‌شده شرح داده است.

گام‌های سوم و چهارم مرحلهٔ تولید فرهنگی و تولید فنی و چاپی است. این دو گام تخصصی‌ترین و پرهزینه‌ترین مراحل نشر است. در تولید فرهنگی، نویسنده به نقش و وظایف ویراستار در نشر اثر پرداخته است. در تولید فنی از مجموعهٔ مراحل یاد کرده که آغاز آن پس از اتمام همهٔ مراحل ویرایش و پایان آن آغاز تولید چاپی است. تولید چاپی عمدتاً شامل تأمین مواد و مصالح کتاب، تکثیر چاپی کتاب و صحافی است.

در گام پنجم، نویسنده به روش پخش و

دینی ایران باستان در غرب». در دیباچه مرکز مطالعات فرهنگی- بین‌المللی، انگیزه تألیف کتاب ضرورت بازشناسی سیر مطالعات دانشمندان تاریخ و فرهنگ ایرانی اعلام شده که به توصیه فتح‌الله مجتبائی و به همت فریده رازی به ثمر رسیده است.

مؤلف، در مقدمه، با اشاره به تحقیقات تاریخ پژوهش‌های ایران‌شناسی در مراکز علمی و دانشگاهی غرب، از کمبود تألیفات و به‌خصوص کتابنامه در زمینه‌های تخصصی و موضوعی ویژه در مباحث ایران‌شناسی اظهار تأسف می‌کند.

گسترش روزافزون و فراگیر دامنه علوم و، به تبع آن، کثرت تألیفات تحقیقی در زمینه‌های گوناگون نیاز تهیه کتاب‌شناسی‌های تخصصی را افزایش می‌دهد. چه، از این راه، اهل علم و قلم به منابع شناخت آثار پژوهشی مورد نظر به سهولت دسترسی می‌یابند.

فریده رازی داده‌های کتاب را از منابع زیر فراهم آورده است:

فهرست‌های کتاب‌شناسی (کتاب، مقاله و رساله)؛

فهرست‌ها و برگه‌دان‌های کتابخانه‌های بزرگ ایران و آمریکا؛

منابع مربوط به ادیان یهود و مسیحیت و مذاهب گنوسی؛

منابع مهم مربوط به تاریخ و دین و فرهنگ ایران و یونان و روم؛

پانوشت‌ها و ملحقات مراجع و منابع اصلی مورد نظر.

وی، هم‌زمان با بررسی این منابع، مشخصات

بازاریابی و فروش و چاپ‌های بعدی کتاب پرداخته است.

در پیوست، فرم‌هایی مربوط به مراحل نشر ارائه شده است، از جمله قرارداد تألیف، ترجمه، ویرایش، سفارش‌نامه‌ها، برگه‌های بازبینی، محاسبه هزینه و برآورد بهای کتاب.

سهیلا غضنفری

آذرننگ، عبدالحسین، *مبانی نشر کتاب، ویراست دوم، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۱، ۲۸۶ صفحه.*

این کتاب برای آشنایی دانشجویان و علاقه‌مندان با کلیات مباحث نشر کتاب نگاشته شده است. در پایان کتاب، فصلی به دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی اختصاص داده شده است. چنان‌که مؤلف در یادداشت ویرایش دوم آورده است، به‌سبب دگرگونی شتابان ابزارها، تجهیزات، روش‌ها، تعریف‌ها و مفاهیم نشر کتاب، این ویرایش نزدیک به یک‌سوم نسبت به چاپ اول افزوده دارد. روزآمد کردن اثر، به اعتبار این کتاب درسی دانشگاهی افزوده است.

س.غ.

رازی، فریده، *کتاب‌شناسی خرد و اندیشه ایران باستان در فرهنگ غرب، مرکز مطالعات فرهنگی- بین‌المللی، تهران ۱۳۷۹، ۱۱+۱۶۱+۱۱ صفحه.*

بر روی جلد، در توصیف عنوان کتاب، چنین آمده است: «گزیده آثار تحقیقی درباره تأثیر افکار و آرای

کتاب‌شناسی و شناسه‌های رایانه‌ای عنوان‌ها را استخراج و ثبت کرده است.

اطلاعات گردآوری شده به شرح زیر بخش‌بندی شده است:

– در بخش کلیات، آثار دوره‌های پیش از اسلام معرفی شده است.

– بخش ایران و یونان به مذاهب ارفئوسی و فیثاغورسی پیش از سقراط تا عصر هلنیستی و مذاهب گنوسی اختصاص یافته است.

– در بخش ایران و روم، به معرفی آثار مربوط به مهرپرستی دوران اشکانی، ورود و گسترش و تأثیر آن در غرب پرداخته شده است.

– بخش ایران و یهود دوران اسارت بابلی تا دوران بین‌العهدین، جامعه قهران و طومارهای بحر میّت را در بر می‌گیرد.

– بخش ایران و مسیحیت، معرفی آثار مهرپرستی و آغاز مسیحیت، نجات و منجی، مانویت در فرقه‌های الحادی مسیحی را شامل است.

در هر مدخل، پس از عنوان مؤلف (نام و نام خانوادگی)، عنوان کتاب یا مقاله و عنوان منبعی که مقاله از آن استخراج شده و سایر اطلاعات کتاب‌شناسی ذکر شده است.

مؤلف، در مقدمه، تذکر داده است که در هر مورد که موضوع کتاب یا مقاله از عنوان آن معلوم نمی‌گردیده، با افزودن یک یا چند عبارت کوتاه، موضوع اصلی اثر بیان شده است. در پایان، فهرستی از گزیده‌های مأخذ مورد استفاده نویسنده آمده و سپس دو نمایه کسان و عنوان آثار برای هر بخش جداگانه به دست داده شده است.

ثریا پناهی

راشد محصل، محمدتقی، کتیبه‌های ایران باستان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران ۱۳۸۰، ۱۲۰ صفحه.

اخیراً، دفتر پژوهش‌های فرهنگی به چاپ سلسله کتاب‌هایی با موضوع «از ایران چه می‌دانم» اقدام کرده است. هدف از تألیف این آثار ارائه آگاهی‌های مهم، دقیق و سودمند در حوزه‌های گوناگون ایران پژوهی است که به سهولت بتواند در دسترس ایران‌دوستان و علاقه‌مندان قرار گیرد.

از بارزترین محاسن این مجموعه، در اختیار گذاردن خلاصه‌ای از اطلاعات مهم و اصلی در حجم مختصر به قلم اهل فن است که موجبات رضایت خواننده علاقه‌مند و جستجوگر را با صرف زمان کوتاه فراهم می‌آورد.

تا کنون ۲۸ عنوان از این مجموعه به چاپ رسیده است که عناوین آنها بر اساس شماره چاپ هر عنوان به ترتیب زیر می‌آید:

گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران زمین (ناصر تکمیل همایون)؛ جزیره قشم صدف ناشکافته خلیج فارس (علی بلوکباشی)؛ تخت جمشید (حسین سلطانزاده)؛ آبسکون یا جزیره آشوراده (ناصر تکمیل همایون)؛ قالی شویان مناسک نمادین قالی شویی در مشهد اردهال (علی بلوکباشی)؛ سرگذشت دریای مازندران (ناصر تکمیل همایون)؛ نوروز جشن نوزایی آفرینش (علی بلوکباشی)؛ فرش ایران (فضل‌الله حشمتی رضوی)؛ کتیبه‌های ایران باستان (محمدتقی راشد محصل)؛ معرفی آن در ادامه همین مقاله خواهد آمد)؛ خلیج فارس (ناصر تکمیل همایون)؛ بازارهای ایران (حسین سلطانزاده)؛ سینمای ایران (محمد تهامی نژاد)؛ مرزهای ایران در دوره معاصر (ناصر تکمیل همایون)؛ بانک و بانکداری در ایران

یونانی، که در دوره هخامنشیان کاربرد داشته و در کتیبه‌ها، فلزنوشته‌ها، سکه‌ها، گِل‌نوشته‌ها، و پایپروس‌ها به کار رفته‌اند، معرفی شده‌اند. سپس، به‌اختصار، چگونگی رمزگشایی خط میخی فارسی باستان و نام دانشمندانی که در آن سهم بوده‌اند ذکر شده است.

در بحث ویژگی‌های خط فارسی باستان، شمار نشانه‌ها، انواع آنها، ترتیب نوشتار، کوتاه‌نوشته (عمدتاً واژه‌های پرکاربرد) شرح داده شده است. مؤلف، در معرفی پادشاهانی که از آنان کتیبه (سنگ‌نشته، فلزنشته) به جای مانده، از کتیبه‌های اریارمنه، ارشامه، کورش، داریوش اول، خشایارشا، اردشیر اول، داریوش دوم، اردشیر سوم یاد کرده، سپس، اختصاراً، بر اساس جایگاه جغرافیایی کتیبه‌ها، فهرستی از آنها به دست داده است.

مؤلف کتیبه‌ها را به لحاظ آگاهی‌های جغرافیایی و تاریخی بسیار ارزشمند می‌داند، از جمله این‌که در آنها می‌توان مرزهای ایران و اقوام خراج‌گزار را بازشناخت. وی، درباره ارزش‌های زبانی و ادبی کتیبه‌ها، به‌سادگی و همسانی آن با ساختمان دستوری همه زبان‌های خانواده هندواروپایی اشاره می‌کند.

مؤلف گزیده‌ای از کتیبه‌های فرمان کورش، بیستون، داریوش در آبراه سوئر و نقش رستم را به پایان این فصل افزوده است.

در فصل سوم (کتیبه‌نگاری در دوره میانه)، در بخش تاریخچه، محدوده زمانی و تاریخی دوره میانه مشخص، سپس، سه دوره تاریخی سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان شرح داده شده و، درباره امرای محلی نیز، به اقوام سغدی و خوارزمی

(منیژه ربیعی رودسری)؛ سامانیان دوره شکوفایی فرهنگ ایرانی-اسلامی (محمدرضا ناجی)؛ مازندران (وحید ریاحی)؛ کلیساهای آرامنه ایران (لینا ملک‌میان)؛ نخل‌گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهدان (علی بلوکباشی)؛ گاه‌شماری ایرانی (موسی اکرمی)؛ لازستان (محمدباقر وثوقی)؛ شیخ بهایی (محسن دامادی)؛ ایرانیان ارمنی (آندرانیک حویان)؛ تنگه هرمز (غلامرضا زعیمی)؛ ره و راه‌سازی در ایران (منوچهر احتشامی)؛ تاریخ ایران در یک نگاه (ناصر تکمیل‌همایون)؛ دادرسی و نظام قضایی در ایران (سیدحسن امین)؛ نادرشاه افشار (رضا شعبانی)؛ نهضت جنگل (شاپور رواسانی).

یکی از آثاری که در مجموعه «از ایران چه می‌دانم» منتشر شده، کتاب کتیبه‌های ایران باستان، نوشته دکتر محمدتقی راشد محصل است.

مطالب کتاب در سه فصل تنظیم و در انتها سخن پایانی مؤلف به آن اضافه شده است. فصل یکم (پیشینه کتیبه‌نگاری) شامل دو قسمت «ریشه‌یابی و تعریف واژه» و «پیشینه کتیبه‌نگاری در جهان» است. در قسمت اول، تعریف کتیبه بر اساس برخی لغت‌نامه‌ها آمده، سپس بحث ریشه‌شناسی آن مطرح شده است. مؤلف، در قسمت دوم، به بررسی پیشینه کتیبه‌نگاری در چین، هند، بین‌النهرین، شبه جزیره عربستان، مصر، و منطقه مدیترانه پرداخته و در شرح مطالب این قسمت به دایرة‌المعارف کلمیا و دایرة‌المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، استناد کرده است.

در فصل دوم، پس از ذکر کلیاتی در باب سنت کتیبه‌نگاری در ایران پیش از اسلام، زبان‌ها و خط‌هایی مانند آرامی، ایلامی، بابلی، هیروگلیف،

نواحی بلخ و بخارا و دولت‌های کوچک جنوب ایران اشاره شده است.

بحث بعدی درباره خط در زبان‌های ایرانی میانه است. مؤلف تصریح می‌کند که در دوره میانه، صرف نظر از الفبای یونانی که برخی از کتیبه‌ها و سکه‌ها بدان نوشته شده‌اند، با چند گونه الفبا سروکار داریم که منشأ واحد دارند. جدولی از خط‌های ایرانی میانه نیز در کتاب درج شده است.

در بخش تقسیم‌بندی کتیبه‌ها و پیشینه پژوهش، راشد محصل، پس از طرح کوشش‌های سیلوستر دوساسی و شماری از دیگر دانشمندان درباره بررسی علمی و کشف رمز کتیبه‌ها، شناسایی آنها را بر پایه تاریخ، موضوع و ملاک‌های دیگر مطرح و، برای آسانی مطالعه، آنها را زیر دو عنوان سنگ‌نبشته‌ها و نوشته‌های دیگر (پوست، پاپيروس، فلز، و دیوار...) دسته‌بندی کرده است. وی بر آن است که کتیبه‌های دوره میانه، به لحاظ ارزش ادبی نیز حایز اهمیت‌اند. سخن پایانی مؤلف به نتایج مطالعه آثار باستانی اختصاص دارد که عمدتاً غیرزبانی و راجع است به مسائل دینی و اعتقادی و اجتماعی و نظام اداری و دیوانی دوره‌های باستان و میانه.

ث. پ.

مدرّسی، حسین، فرهنگ توصیفی اصطلاحات عروض، انتشارات سمت - بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، تهران-مشهد ۱۳۸۰، ۳۲۶ صفحه.

این اثر، که دومین کتاب از سلسله تحقیقات گروه «فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش‌های اسلامی» وابسته

به آستان قدس رضوی است، حاصل ده سال مطالعه و تحقیق آقای حسین مدرّسی است. پیش از این، در سال ۱۳۶۹، فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی، گردآورده جلیل ساعر وانیان، جزو همین مجموعه پژوهش‌ها به چاپ رسیده بود.

فرهنگ توصیفی اصطلاحات عروض، مشتمل است بر ۱۶۳ عنوان اصلی و، به گفته مؤلف، ۳۳۷ ارجاع که جمعاً ۵۰۰ مدخل را شامل می‌شود. برخی از مدخل‌های اصلی دارای زیرمدخل یا مدخل‌های فرعی نیز هستند.

شمار کل منابع اصلی اثر ۱۱۵ (شامل کتاب‌ها و مقالات) است.

پس از متن فرهنگ، «فهرست تفصیلی متن کتاب»، «فهرست الفبایی برابره‌های اصطلاحات فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی»، «نمایه اشخاص و کتاب‌ها»، و «منابع اصلی» آمده است.

مؤلف، در «پیش‌گفتار»، درباره طرز استفاده از این کتاب در فراگیری یا تعلیم عروض دستورات عمل‌هایی ارائه داده است.

فرهنگ توصیفی اصطلاحات عروض، به جز مدخل‌ها، حاوی ۲۳ جدول و نمودار است که فهرست آنها پس از «پیش‌گفتار» آورده شده است.

مدرّسی، در همین کتاب، وعده انتشار فرهنگ اوزان شعر فارسی را داده است مشتمل بر بیش از ۱۰۰۰ وزن فارسی، همراه با تقطیع‌های هجایی و سبّتی و ذکر اختصاصات وزنی.

حمید حسنی

می‌یابد و با فضایی حماسی و سرشار از ایثار و از خودگذشتگی آشنا می‌گردد.

«در خلوت خواب» داستانی دیگرگونه است: داستانی عاشقانه و سرشار از حدیث و گفت‌وگوی درونی؛ داستان عشق لطیف و عفیف زن و مردی جوان که با سختی به وصال می‌انجامد؛ اما پس از اندک زمانی، با مرگ مصیبت‌بار مرد به پایان می‌رسد. زن، در پی مرگ شوهر، پس از تردید و کشمکش درونی فراوان، ازدواج می‌کند و صاحب فرزند می‌شود. اما زندگی واقعی او همان زندگی درونی و تکرار سمفونیِ خاطره عشق است که در جای‌جای داستان تکرار می‌شود و زن غرق در آن است. سرانجام، در زندگی واقعی او، این سؤال از سوی فرزندان پیش کشیده می‌شود که وفاداری عمیق او به خاطره‌ای در گذشته، جفا به زندگی فعلی و خانواده او نیست؟ در پایان داستان، او به آشتی با واقعیت و سپردن یادروزگار خوش گذشته به دنیای خاطره‌ها می‌رسد.

«لالا» داستان مظلومیت زن در جامعه و تضییع حق و حقوق اجتماعی اوست. «سمفونی حماقت» نیز داستان تسلط خاطره عشق مرد موسیقی‌دان بر زندگی فعلی و جفای او نسبت به خانواده است. این داستان با احساس گناه مرد موسیقی‌دان و مرگ او در اثر تصادف پایان می‌یابد. «خرگوش» گزارش ساده‌ای از خاطره‌ای کودکانه است.

«پوچ» روایت زنی است از رابطه ناخوشایند شوهرش با «الهه» و شکایت از جدا شدن شوهرش از او. نکته تازه داستان وقتی آشکار می‌شود که خواننده پی می‌برد که الهه همان الهه مرگ است نه زنی در عالم واقع.

حاج سیدجوادی، فتانه (پروین)، در خلوت خواب، نشر البرز، تهران ۱۳۸۰، ۳۵۱ صفحه.

در خلوت خواب، عنوان مجموعه داستان‌های کوتاه داستان‌نویس معاصر، فتانه حاج سیدجوادی، است که پیش‌تر رُمان بامداد خمار از او منتشر و با اقبال فراوان روبه‌رو شد. این مجموعه مشتمل است بر داستان‌های «رنگ تعلق»، «شیشه»، «در خلوت خواب»، «لالا»، «سمفونی حماقت»، «خرگوش»، «پوچ»، «عرض زندگی».

«رنگ تعلق» داستان اسد، دبیر فیزیک، است که در سن کهولت روزگار کودکی خود را شرح می‌دهد. وی، پس از پایان سیر در گذشته، به‌طور اتفاقی، با دوستان دوره کودکی روبه‌رو می‌شود. آنان در یک رستوران قدیمی یکدیگر را می‌بینند و خاطرات خود را باز می‌گویند. نکته حساس زندگی اسد ازدواج او با دوست دوران کودکی خواهرش، «فروز» است. فروز، به قصد دیدن یگانه پسری که از اسد دارد، سوار هواپیمایی می‌شود که آماج حمله ناو امریکاییان واقع شد. اسد، پس از این حادثه، دیری نمی‌گذرد که با زنی تجمل‌گرا و خودخواه ازدواج می‌کند و با بی‌مهری فرزند روبه‌رو می‌شود. بیان عبرت از این تجربه، تلخی زندگی اسد و حیرت و تأسف دوستان پایان‌بخش داستان است.

«شیشه» داستان دو پسرعمو، اسکندر و یوسف است. یوسف خوش‌قیافه و خوش‌اقبال، برای ادامه تحصیل، با عبور غیرمجاز از مرز، راهی فرنگ می‌شود و اسکندر، برای گذراندن دوره سربازی، راهی جبهه. اسکندر، پس از مدت‌ها جنگ درونی با خود و بر اثر حادثه شهادت فرمانده‌اش، از ترس و تعلقات درونی رهایی

سیاسی-اجتماعی بلندی برخوردار بود و در میان طبقات اجتماع محبوبیت بسیاری داشت. شهرت و محبوبیت او مرهون نقش اجتماعی و توجّه او به رفاه و آسایش توده‌های مردم نیز بوده است. خود او می‌گوید:

اگر ما شیخی می‌کردیم در این روزگار هیچ شیخی مرید نمی‌یافت. لیکن ما را کار دیگر فرموده‌اند که مسلمانان را از شرّ ظلّمه نگاه داریم.

سلاطین گورکانی نیز در حمله دشمنان خارجی به او پناه می‌جستند. خواجه عبدالله، هرچند در ماوراءالنهر زیست و بیشتر عمر خود را در سمرقند گذرانده، از طریق شاگرد و خلیفه‌اش محمد زاهد و خُشی، در نقشبندیان هند نفوذ بسیار یافت. بعدها نیز طریقت احراریه، به واسطه محمد زاهد و خُشی و برخی از نوادگان خواجه عبدالله، در آن سرزمین گسترش یافت. در قرن یازدهم هجری سلسله نقشبندیّه مجدّدیه از آن منشعب شد و سراسر هند را فراگرفت. ویژگی‌های اخلاقی-عرفانی و اجتماعی خواجه سبب شد که برخی از بزرگان علم و معرفت، از جمله عبدالرحمان جامی و امیر علیشیر نوایی، مجذوب شخصیت وی شوند. جامی، در نفحات‌الانس، و امیر علیشیر نوایی، در نسایم‌المحبّه من شمایم الفتوه، از او به بزرگی و احترام بسیار یاد کرده‌اند. افزون بر آن، آثار مستقّلی در شرح احوال وی نگاشته شده که از آن جمله است: سلسله العارفین و تذکرة الصدیقین از محمد قاضی سمرقندی؛ ملفوظات احرار از میر عبدالاول؛ خوارق عادات احرار از مولانا شیخ.

مقدمه‌ای را که مصحّح افزوده اثری مستقل می‌توان شمرد و آن شامل سه بخش است:

«عرض زندگی» گزارش پلیسی ساده‌ای از زندگی وکیلی بوالهوس و پدری بدبین و نامهربان است که سرانجام، با خودکشی و مرگ مغزی، تقاص گناهانش را پس می‌دهد.

داستان‌های کوتاه فتانه حاج‌سیدجوادی مجموعه‌ای از غث و سمین‌های اوست. راوی همه این داستان‌ها خود نویسنده است. بعضی از این داستان‌ها گزارش ساده یک خاطره یا واقعه‌اند و از حیث پرورش شخصیت‌ها و حاکمیت تخیل هنری بر داستان و فضاسازی و چهره‌پردازی چندان قوی نیستند. اما، از میان آنها، «در خلوت خواب»، «پوچ»، «شیشه» و «رنگ تعلق» پرمایه‌ترند. نویسنده، در این چهار داستان، با قلمی روان و ساده در فضاسازی، از جمله فضای جنگ در داستان «شیشه»، و چهره‌پردازی موفّق است. «در خلوت خواب»، بیش از دیگر داستان‌ها، یادآور قوت و گیرایی قلم نویسنده در بامداد خمار است. حکیمه دست‌رنجی

احوال و سخنان خواجه عبدالله احرار، مشتمل بر ملفوظات احرار به تحریر میرعبدالاول نیشابوری، ملفوظات احرار (مجموعه دیگر)، رقعات احرار، خوارق عادات احرار تألیف مولانا شیخ، به تصحیح و با مقدمه و تعلیقات عارف نوشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۸۰، ۸۴۶ صفحه.

این کتاب مجموعه چند اثر در شرح احوال و آثار و سخنان خواجه عبدالله احرار (۸۰۶-۸۹۵)، عارف پراوازه سلسله نقشبندیّه ماوراءالنهر است. خواجه عبدالله، علاوه بر شخصیت عرفانی‌اش، از پایگاه

احرار اختصاص یافته و، در ضمن آن، از ارزش تاریخی و ادبی این رساله سخن رفته و به مقایسه آن با سلسله العارفین و تذکرة الصدیقین و رشحات عین‌الحیات پرداخته شده است. و در پایان نیز، تصاویری از نسخه‌های خطی آن و عکس‌هایی از مسجد و مدرسهٔ احرار درج شده است.

ملفوظات احرار (به‌تحریر میرعبدالاول نیشابوری). این رساله یکی از آثار مهم در شرح و بیان سخنان و گفته‌های خواجه عبیدالله است که به همت میرعبدالاول نیشابوری (وفات: ۹۰۵) گرد آمده است. میرعبدالاول، که از مریدان خاص خواجه عبیدالله بوده است، گردآوری ملفوظات او را در زمان خود وی آغاز کرده و پس از وفات خواجه عبیدالله به انجام رسانده است. اهم مطالب این اثر، ضمن احتوای بر نکات مهم تاریخی و سیاسی و اجتماعی، عرفانی و نمودار شیوهٔ سیر و سلوک عبیدالله و دیدگاه‌های عرفانی اوست.

در تصحیح این رساله از شش نسخهٔ خطی استفاده و تعلیقات سودمند با ذکر منابع و مأخذ افزوده شده است.

ملفوظات احرار (مجموعهٔ دیگر)

این رساله، که نسبت به رسالهٔ پیشین مختصرتر است، به کوشش ملاً محمدامین کرکی گرد آمده و بیشتر منعکس‌کنندهٔ نظریات عرفانی خواجه عبیدالله است. از این اثر دو نسخه بر جای مانده که نویسنده در تصحیح آن از هر دو استفاده کرده است.

رقعات احرار این مجموعه شامل مکاتبات عبیدالله احرار است با حکمرانان، عارفان، مریدان و خویشان خود. از میان بیش از ۱۴۰ رقع، ۴۱ رقع

بخش اول به معرفی مهم‌ترین منابع و مأخذ شرح احوال خواجه عبیدالله اختصاص یافته است. در ذکر و بررسی منابع، ترتیب تاریخی لحاظ و، در پایان آن، به معرفی مهم‌ترین پژوهش‌های معاصر پرداخته شده است.

در بخش دوم با عنوان «احوال و آثار احرار»، سعی نویسنده بر آن بوده است که حتی‌الامکان به همهٔ منابع و مأخذ شرح احوال احرار - اعم از چاپی و خطی - دست یابد. این بخش خود شامل دو مبحث عمده است: مبحثی در شرح احوال و ویژگی‌های شخصیتی عبیدالله از جمله تاریخ ولادت و زادگاه و تحصیلات و استادان او، نحوهٔ پیوستن او به سلسلهٔ نقشبندیه، شاگردان و مریدان و ویژگی‌های اخلاقی وی، ارتباطش با پادشاهان و فرمانروایان و بزرگان عصر، و فرزندان و نوادگان او. پایان‌بخش این مبحث معرفی سلسلهٔ احراریه در هند است.

مبحث دوم این بخش به بررسی آثار و مؤلفات احرار اختصاص یافته که به سه گروه تقسیم شده‌اند: (۱) آثاری که به تحقیق از احرار است، شامل فقرات، والدیه، حورائیه، رقعات، ملفوظات و چند رسالهٔ متفرقه؛ (۲) آثاری که به احرار منسوب شده اما صحت این انتساب قطعی نیست، شامل انیس‌السالکین، تحفة‌الاحرار، رسالهٔ کلیات؛ (۳) آثاری که به احرار منسوب شده و، پس از بررسی، معلوم شده که از او نیست، شامل: انفاس نفیسه، تذکرة خواجه عبیدالله احرار، ذوقیات، شرح اشعار مشکل فصوص‌الحکم، صدای دل، نور وحدت.

بخش سوم، با عنوان «بررسی ملفوظات احرار گراوردهٔ میرعبدالاول نیشابوری»، به شرح احوال میرعبدالاول نیشابوری و معرفی رسالهٔ ملفوظات

در احوال و سخنان درج شده است. موضوع بیشتر رقصات اجتماعی است.

خوارق عادات خواجه عبیدالله احرار

مواد این رساله، در بیان کرامات و خوارق عادات احرار، به همت مولانا شیخ (وفات: حدود ۹۱۶) گرد آمده است. مصحح در تصحیح آن از دو نسخه خطی استفاده کرده است.

از مزایای کتاب فهرست‌های بیست‌گانه‌ای است که مصحح در پایان کتاب درج کرده است از جمله فهرست آیات و احادیث، اشخاص و اماکن، کتاب‌ها و رساله‌ها، اسماء الحسنی، کلمات ترکی، امثال و مثل‌واره‌ها، معارف و دین، مفاهیم تصوّف و خانقاه، آداب و رسوم اجتماعی.

محمد جواد شمس

مقاله

آساطوریان، گارنیک، «تاریخچه واژه گبر»، نامۀ پارسی، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۸۱، ص ۲۹-۳۱.

آساطوریان، استاد دانشگاه دولتی ایروان (ارمنستان)، در این مقاله کوتاه کوشیده است تا نشان دهد واژه گبر، به معنی امروزی آن (کافر)، ریشه ادبی دارد نه گویشی. در ادبیات فارسی، گبر به معنای غیر مسلمان، کافر و مجوس آمده است. گبرک، با کاف تحقیر، نیز در ادبیات فارسی به معنای زردشتی و پیرو دین زردشت است. در لغت‌نامه دهخدا، این واژه هم‌ریشه صورت آرامی واژه کافر عربی دانسته شده که، به زبان ایرانیان، به هیئت گبر=گور (gaur) درآمده است. نویسنده بر آن است که /k/ی آرامی در عربی به /g/ مبدل نمی‌شود و /f/ عربی نیز در آرامی به صورت /f/ یا /p/ ظاهر می‌گردد. /g/ی سامی هم در آرامی به صورت /g/ یا (g) و در عربی به صورت /j/ جلوه‌گر می‌شود. بنابراین، کافر عربی نمی‌تواند خویشاوند تکوینی گبر یا گونه تغییر یافته آن در فارسی باشد. گبر می‌تواند مشتق از gabraی آرامی باشد به معنی

«مرد» که در هزوارش‌های پهلوی (به صورت GBR' آمده و mart خوانده می‌شود. در سنگ‌نبشته کرتیر در کعبه زردشت، 'mgw GBR' یعنی «مغ، مُغ مرد».

«فرهنگ هزاره، فرهنگی کارآمد»، کتاب ماه ۵۸، سال پنجم، شماره ۱۰، مرداد ۱۳۸۱، ص ۵۰-۶۵.

نشست نقد و بررسی کتاب در ۱۷ مهر ۱۳۸۰، به همت کتاب ماه، به نقد و بررسی فرهنگ انگلیسی-فارسی هزاره اختصاص یافت. گزارش این نشست، به تفصیل، در شماره یادشده این مجله درج شده است. فرهنگ مذکور، از آنجا که در آستانه هزاره دوم میلادی منتشر شد، فرهنگ هزاره نام گرفت. تألیف آن به همت دکتر علی محمد حق‌شناس استاد زبان‌شناسی دانشگاه تهران، دکتر حسین سامعی زبان‌شناس و پژوهشگر برجسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نرگس انتخابی و گروهی به عنوان دستیار ارشد و دستیار انجام یافته

[زن] که دلش بچه می‌خواهد. broody
 که مسخره می‌کند، که ریشخند می‌کند. jeering
 اطلاعات «بافتاری» از ابتکارات فرهنگ هزاره
 در فرهنگ‌نویسی دوزبانه برای فارسی‌زبانان است
 و آن توضیحات تکمیلی و شرح و توصیف اضافی
 است که برای روشن شدن هرچه بهتر و بیشتر
 معادل‌های زبان مقصد، قبل یا بعد از معادل اصلی،
 داده می‌شود.

فرهنگ هزاره برای دو دسته از مخاطبان با
 نیازهای متفاوت تدوین شده است: یکی مترجمان،
 دیگری زبان‌آموزان. جملات، مثال‌ها و توضیحات
 کاربردی فراوان از ویژگی‌هایی است که به فرهنگ
 هزاره فایده آموزشی داده است. ارائه معادل‌های
 متعدد و پرهیز از تعریف مدخل‌ها نیز آن را به
 صورت فرهنگی مطلوب مترجمان درآورده است.
 س.غ.

میرفخرایی، مهشید، «درباره یک واژه فارسی
 میانه»، نامۀ پارسی، سال هفتم، شماره اول، بهار
 ۱۳۸۱، ص ۱۹-۲۲.

نگارنده مقاله، پس از شمردن دشواری‌های
 نویسه‌های پهلوی، مشکل نسبت دادن قرائت
 واحد از یک واژه به اشتقاق‌های مختلف را مطرح
 و تلفظ واژه waxtan را، که در پهلوی به صورت‌های
 wād «باد»، wād=ba'd=bawā'd «بادا، بُواد» و
 waxt خوانده می‌شود، بر اساس شواهدی از شکند
 گمانیک وزار و دادستان دینی بررسی می‌کند.

نتیجۀ حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که این
 واژه با دو شکل مصدری waxtan «دور شدن»،
 منحرف شدن، جدا شدن و wāxtan «دور کردن»،

است. این اثر حاصل پانزده سال تحقیق و بررسی
 در واحد پژوهش مؤسسه فرهنگ معاصر است که در
 دو جلد و مجموعاً در ۲۰۲۵ صفحه عرضه شده و
 حاوی بیش از ۵۵,۰۰۰ مدخل اصلی و فرعی،
 ۳۰,۰۰۰ عبارت و اصطلاح و ضرب‌المثل و
 تکیه‌کلام و جمله با معنای خاص و جز آن، بیش از
 ۳۰۰,۰۰۰ برابر فارسی مناسب همراه با اطلاعات
 واژه‌شناختی، و بالغ بر ۲۵۴ نکته کاربردی برای
 راهنمایی مراجعه‌کننده در انتخاب مناسب‌ترین
 واژه است. سرمدخل‌های فرهنگ مبتنی است بر
 فرهنگ *Advanced Learner* (آکسفورد، ویرایش
 ۱۹۷۶). معادل‌های فارسی نیز بعضاً مبتنی است بر
 فرهنگ *حییم*. اطلاعات مندرج در ذیل هر مدخل در
 دو بخش آمده است: ۱) اطلاعات مربوط به
 سرمدخل اصلی که معمولاً یک واژه ساده یا مرکب
 انگلیسی است؛ ۲) اطلاعات مربوط به مدخل‌های
 فرعی که به صورت اصطلاحات و فعل‌های مرکب
 یا فعل‌های گروهی انگلیسی در ذیل هر سرمدخل
 آمده است. فرهنگ هزاره روزآمد است. معادل‌ها
 فارسی امروزی‌اند و از برابره‌های مصوّب
 فرهنگستان نیز در آن استفاده شده است. در این
 امر، سنت‌شکنی بجایی هم شده است: به اسم و
 صفت، الزاماً، معادل اسمی و صفتی داده نشده
 است؛ به معادل‌ها نیز، در موارد لازم، توضیحاتی
 افزوده شده است تا ظرایف معنایی پوشیده نماند و
 موارد کاربرد معلوم گردد:

[درد، شک و غیره] که دست از سر آدم
 nagging برنمی‌دارد.
 [جنایت و غیره] که اسمی / نامی رویش
 nameless نمی‌شود گذاشت.
 کسی را وادار کردن که بگوید چه
 nail down می‌خواهد بکند / چگونه فکر می‌کند.

منحرف کردن، جداکردن» می‌تواند از ریشه ایرانی باستان vak/vač مشتق شده باشد که معادل آن در سنسکریت vak «منحرف شدن، دور شدن، جدا شدن» است. مؤید این حدس، مشتق دیگری از ریشه مذکور در سنسکریت، صفت vakra «کج، خمیده، منحرف، نادرست» است. این صفت، در شکندگماییک نیز، در معنی «نادرست» و «بی‌معنی» به کار رفته است.

ث. پ.

نیک‌منش، محمد، «قلم مُنتجب»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۴۴، ش ۳-۴ (پاییز و زمستان ۱۳۸۰)، شماره مسلسل ۱۸۰-۱۸۱، ص ۲۲۷-۲۳۶.

در قرن ششم هجری، با روی کار آمدن سلجوقیان و بروز تحولات سیاسی-اجتماعی، زبان و ادب ایران پس از اسلام دچار دگرگونی‌هایی گردید. با گسترش جغرافیای شعر و تحوّل در زبان و فکر و صور خیال، سبک سخن نیز تحوّل یافت. از ویژگی‌های سبکی این دوره می‌توان به دشواری و دیریابی اشعار اشاره کرد.

انوری ابیوردی از شاعران نامدار همین دوره است که دشوارگرایی در اشعار وی توجّه شارحان را، در طول زمان، جلب کرده است.

نگارنده مقاله، با بیان مبسوط این مطالب، به قصیده‌ای از انوری اشاره می‌کند که شاعر، در آن، ابیاتی در مدح ناصرالدین ابوالفتح طاهر- وزیر سلطان سنجر- سروده است. در میان این ابیات، عبارت «قلم منتجب» به چشم می‌خورد که موضوع مورد بحث مقاله است:

.....
دود حلقه‌شده بر سطح هوا خم در خم
سطرهایی است که مکتوب بنان لهب است
شعله آتش از آن روی که گفتم گویی
در مقادیر کتابت قلم منتجب است
استاد سید جعفر شهیدی، در کتاب شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ابیوردی، ذیل این عبارت آورده است: «در بین قلم‌های متداول، قلمی بدین نام نیافتم. از تشبیه دود حلقه‌شده بدین قلم، شاید مقصود قلمی است که در نغایس الفنون به نام 'قلم مدور' آمده است». همچنین، در تعلیقات کتاب (اضافات چاپ دوم) نوشته است: «... در اصول خطوط سسته ج ۱۱ فرهنگ ایران‌زمین، ص ۱۲۷-۱۸۸، از قلم منتصب ذکری شده، آیا یکی محرّف دیگری است؟».

نویسنده مقاله، با بررسی نسخه‌بدل‌ها و تأمل در معانی قلم، دو احتمال مذکور را رد کرده و، با توجّه به این‌که گاهی منظور از قلم شیوه و خط منسوب به یک کاتب است، احتمال می‌دهد که منظور شاعر از «منتجب» علی بن احمد کاتب، ملقب به منتجب‌الدین، منشی معروف سلطان سنجر سلجوقی، باشد. وی، در بیان شهرت این کاتب هم عصر انوری، به تذکره لباب الالباب عوفی و مرزبان‌نامه سعدالدین وراوینی استناد کرده است.
نگارنده، با ذکر نمونه‌هایی، شیوه انوری را در آوردن اسامی خاص در موضع قافیه و گاه ردیف شعر مؤید این حدس می‌داند. او بر آن است که شاعر، با استفاده از شیوه مدح در مدح، به ایجاز، منتجب‌الدین را ستوده و این نکته‌ای است که از نگاه تیزبین استاد شهیدی و مرحوم مدرّس رضوی، مصحح دیوان انوری، به دور مانده است.
در پایان مقاله، به بهره‌گیری شاعر از صنعت

مسلمان چین است. هرچند مسلمانان کوچ‌کننده با چینی‌ها درآمیختند و زبان چینی را زبان مشترک یافتند، شماری از کلمات فارسی در زندگی و فعالیت مذهبی آنان باقی ماند. برای آشنایی با تأثیر زبان فارسی در زبان و زندگی و عادات و رسوم مسلمانان هوایی می‌توان به رمان مراسم اسلامی تشیع جنازه مراجعه کرد. در این رمان، زندگی مسلمانان ملیت هوایی وصف شده است که در اطراف مسجد نیوجیه پکن سکونت داشته‌اند. بعضی از کلمات فارسی که در این رمان آمده به شرح زیر است:

diwu	دیو
taisibi	تسیب
yetimu	یتیم
shumi	شوم
duositi	دوست
dushman	دشمن
gebuer keerdi	قبول کردی
gebuer keerdam	قبول کردم
nemazi	نماز
bangda	بامداد
pishini	پیشین
digeier	دیگر
shamu	شام
huftan	خفتن
yimani	ایمان
ahang	آخوند (امام)
abudaisi	آبدست (وضو)
yibulisi	ابلیس

قدمت مسجد نیوجیه پکن به حدود یک هزار سال می‌رسد. در این مسجد، اشیای مهم و دو کتیبه و کتاب‌هایی به زبان فارسی و قرآن خطی با توضیحات فارسی محفوظ است.

س.غ.

تشخیص در دو بیت مذکور اشاره شده و آمده است: «شاعر، برای تکمیل دایرة تصویرسازی خود، شعلۀ آتش (مشبّه) را، در شیوۀ کتابت و ترسّل (وجه شبه)، به قلم کاتب مشهور عصر خود، منتجب‌الدین بدیع (مشبّه به)، تشبیه کرده است». آزاده ائکال

ون‌یه‌سیون، «تأثیر زبان فارسی در مسلمانان ملیت هوایی چین»، نامۀ پارسی، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۸۱، ص ۷۳-۸۱.

چین، در پرتو وجود جاده ابریشم، همواره محلّ تلاقی ادیان و فرهنگ‌های متفاوت بوده است، از جمله ادیانی که از طریق ایران نشر یافته است. ایرانیان دو بار وارد سرزمین چین شدند. نخستین بار در قرن هشتم میلادی، در زمانی که ایران و آسیای مرکزی با قلمرو سلسله تانگ هم‌مرز بوده‌اند. در این هنگام، سربازان خلیفه، به درخواست دربار تانگ، برای فرونشاندن شورش آن‌لوشان، وارد آن سرزمین شدند و، پس از جنگ، به سرزمین خود بازنگشتند و بعضی از آنها با دختران چینی ازدواج کردند. دومین بار در اوایل قرن سیزدهم میلادی بود که مغولان بر چین و ایران مستولی شدند. سپاهی که مغولان از ایران به چین فرستادند، در مسیر جاده ابریشم، در شمال غربی و شمال و جنوب غربی چین، گاهی به کشاورزی و دامپروری نیز اشتغال داشتند. در بین این سپاهیان صنعتگران و بازرگانان مسلمانی بودند که به چین کوچ کردند. آنان، در هر نقطه که سکنی می‌گزیدند، مسجدی بنا می‌کردند. در آن موقع، چینی‌ها این مسلمانان را هوایی می‌نامیدند. ملیت هوایی یکی از ده ملیت

روح‌الامینی، محمود، «فرهنگ و زبان و گفت‌وگو به روایت مولوی»، گزارش‌گفتگو، سال دوم، شماره ۲۷، تیر ۱۳۸۱، ص ۹۸-۱۰۰. با توجه به اهمیت زبان در ارتباطات فردی و اجتماعی و نقش آن در فرهنگ‌سازی، دکتر محمود روح‌الامینی به تحلیل زبان از دیدگاه مولانا جلال‌الدین رومی در مثنوی معنوی، پرداخته است. مولانا، در مثنوی، زبان را به انحاء گوناگون وصف کرده از جمله آن را چون جارویی دانسته است که باید چشم یار را از خس و خاشاک دور نگه دارد؛ یا زبان و دهان را چون سنگ و آتش‌زنه شمرده که بی‌جهت نباید بر هم زده شوند؛ یا گفتار را به تیر و دهان را به کمان تشبیه و تأکید کرده که تیر نباید بی‌گاه از کمان رها شود؛ یا زبان را به پرده‌ای تشبیه کرده که پرده‌پوش اسرار دل است و آدمی در زیر آن مخفی (المرء مخبوء تحت لسانه)؛ یا گفتار خردمندانه به سیلاب حکمت تشبیه شده است. همچنین، مولانا زبان و گفتار را مختص آدمی نمی‌داند و از «زبان سبز درختان» یاد می‌کند که فقط تیزگوشان را یارای فهم آن است. مولانا، از لحاظ سبکی، از زبان تمثیل برای بیان حقایق عرفانی و مواعظ و اندرز بهره‌جسته است. اما تمثیل و طنز و زبان کودکانه و بهره‌گیری از هر سبک زبانی، در نزد مولانا، صرفاً وسیله بیان حقایق است. در بیشتر تمثیل‌های مثنوی، گفت‌وگوی شخصیت‌های داستانی بیان‌کننده و زمینه‌ساز صریح نظریه است. گفت‌وگوها و تمثیل‌ها، هرچند در مثنوی وسیله بیان معانی‌اند، چنان با تبحر و هنرمندی بیان شده‌اند که در موارد بسیاری ارزش ذاتی پیدا می‌کنند. گفت‌وگوکنندگان داستان‌های مثنوی، علاوه بر بیان مطلب، نمودار

فرهنگ قشرها و گروه‌های گوناگون اجتماعی‌اند. در داستان «موسی و شبان» و «مرد محتسب و مست» و «گفت‌وگوی زن و شوهر»، واژگان و عبارات‌هایی به کار رفته که معرف فرهنگ منزلتی و طبقاتی شخصیت‌هاست. مع الوصف، قصه پیمانه است و خواننده باید دانه معنی را دریابد. در پایان مقاله، سیزده مکالمه ذکر شده است. در این مکالمات، بیشتر تمثیل‌هایی برگزیده شده که تفاوت بین دو طرف گفت‌وگو مشهود است. مثلاً کسانی که زبان یکدیگر را نمی‌دانند؛ گفت‌وگو با ناشنوا و کودک و دیوانه و حیوانات و عاشق و معشوق و گفت‌وگوی صاحبان ادیان و عقاید گوناگون. ح. د.

کاشیگر، مدیا، «بحثی در ادبیات صغیر»، پیمان، ش ۱۸ و ۱۹، زمستان و بهار ۸۰-۸۱، ص ۴۰-۵۵.

مدیا کاشیگر، مترجم و نویسنده، در سال ۱۳۳۵ در یزد به دنیا آمده و کودکی خود را در فرانسه گذرانده است. حدود ۳۰ کتاب ترجمه شده، یک مجموعه شعر، دو مجموعه داستان، یک رمان و ده‌ها مقاله پشتوانه فعالیت‌های ادبی او را تشکیل می‌دهند. مقاله «بحثی در ادبیات صغیر» متن کاملاً بازنویسی شده از سخنرانی مدیا کاشیگر به تاریخ یازدهم بهمن ۱۳۸۰ در مؤسسه ترجمه و تحقیق هوراست. هرچند مقاله دربرگیرنده نگرشی بدیع و درخور توجه است، به دلیل ماهیت شفاهی مبدأ اثر دارای برخی کاستی‌ها در زبان و در ایجاد ارتباط ملموس میان ابعاد مختلف مبحث و

نمی‌تواند در خدمت تعالی «هویت ملی» و یا دقیق‌تر بگوییم «هویت جمعی» نباشد. اما چون صغیر است ناگزیر از مسئله شناخت خاصی نشئت می‌گیرد که با جنس شناخت در ادبیات متداول متفاوت است. بدین‌سان دو ویژگی ادبیات صغیر، یعنی ابعاد سیاسی و اجتماعی بودن آن، مطرح می‌شود. در ادبیات متداول، پس‌زمینه اجتماعی داستان صرفاً بستر وقوع داستان است در حالی که در ادبیات صغیر هر عنصری تأویل‌برانگیز می‌گردد. حتی زمانی که نویسنده ادبیات صغیر قصد طرح هیچ‌گونه مسئله اجتماعی خاص را ندارد اثرش، به رأی و حکم اکثریت خوانندگان، اجتماعی تلقی می‌شود و چون این بُعد اجتماعی «لرؤماً منفی» است و طغیانگرانه، لاجرم بعد سیاسی نیز می‌یابد که آن هم به چشم بیشتر مخاطبان 'اعتراض' است.

به عنوان مثال، کافی است در قصه‌ای پدری الکلی زن یا بچه‌هایش را کتک زند. زشتی کار و الکلی بودن او نه ناشی از ضعف فردی بلکه به حساب ستمی نوشته خواهد شد که بر جمعی، به عنوان اقلیت، اعمال می‌شود یا، در داستان‌های عاشقانه‌ای که در زمره ادبیات صغیر باشند، هم شکست عشق و هم مصایبی که زوج عاشق تحمل خواهند کرد به پای شرایط اجتماعی نوشته خواهد شد. اما، در این میان، بعد سومی نیز دخیل است که همان اجباری است که کافکا از آن یاد کرده است: «نوشتن ناممکن است، نوشتن به آلمانی ناممکن است، نوشتن به زبانی به‌جز آلمانی هم ناممکن است». بنابراین، چون نویسنده ادبیات صغیر هم می‌خواهد در راستای تعالی هویت جمعی بنویسد و هم اثرش را در دسترس

استنتاج نهایی است که بازخوانی چندباره مقاله را می‌طلبد.

آنچه مدیا کاشیگر درباره ادبیات صغیر مطرح می‌سازد به قول وی «نگرشی انتزاعی و برون‌قطبی» است که احتمال دگرگونی آن در آینده و از منظری درونی‌تر چندان دور از ذهن نیست، اما به هر حال تلاشی است در جهت رسیدن به ادبیاتی جهان‌شمول یا، به عبارت دیگر، عمومی شدن ادبیات صغیر که گرایش مسلط قرن بیستم است.

کاشیگر نخست ادبیات اقلیت یا ادبیات صغیر را دربرگیرنده آثاری می‌داند که نویسندگان آنها از یک اقلیت زبانی به زبان دیگر، یعنی زبان اکثریت، پدید آورده‌اند و نمونه بارز این‌گونه ادبیات را آثار فرانتس کافکا می‌داند. کافکا، به رغم یهودی بودن و تکلم به گویش خاص یهودیان گتوی پراگ، تمامی آثارش را به زبان آلمانی به رشته تحریر درآورد. یعنی زبان همان اشغالگرانی که سبب آوارگی خانواده و قوم او بوده‌اند. او در سال ۱۹۲۱ در یکی از یادداشت‌هایش می‌نویسد: «نوشتن ناممکن است، نوشتن به آلمانی ناممکن است، نوشتن به زبانی به‌جز آلمانی هم ناممکن است». کاشیگر بر مبنای این واقعیت و نیز اعتقاد کافکا مبنی بر این‌که «ادبیات آن‌قدر مسئله تاریخ نیست که مسئله مردم است» به شکافتن مبحث ادبیات صغیر می‌پردازد.

عبارت «ادبیات مسئله مردم است» کنایه از خودجوش و التزامی بودن ادبیات و بیان قصه‌ای برآمده از جمع است و یا به تعبیر امروزی‌تر «ادبیات ابزار تحقیق، استمرار و تعالی هویت ملی» به شمار می‌رود. از این رو ادبیات صغیر نیز

تحقق و استمرار و تعالی هویت انسانی است و مقرر است تا این هویت انسانی (در معنای هویت‌ها، به جمع، و نه هویت مفرد) از هم‌زیستی ملت‌ها پدید آید.

در بخش پایانی مقاله، به دلایل انتخاب واژه «صغیر» به جای «اقلیت» و وجوه گوناگون آن و تطابق آنها با مفاهیم مورد نظر کاشیگر پرداخته می‌شود.

آناهید اجاکیانس

قاسمی، سید فرید، علی دهباشی، طوبی ساطعی، «تاریخ شفاهی مطبوعات در ایران (۶)»، بخارا، شماره ۲۴، خرداد-تیر ۱۳۸۱، ص ۱۴۸-۱۵۸.

بخش «تاریخ شفاهی مطبوعات در ایران» در مجله بخارا به احوال و آثار ارباب مطبوعات اختصاص یافته است. در معرفی این بخش آمده است: «مطبوعاتیان تاریخ‌سازان مطبوعات‌اند و دانسته‌هایشان از روی صحنه و پشت صحنه روزنامه‌ها و مجله‌ها خواندنی، ماندنی و از اهمیت بسیاری برخوردار است».

در قسمت ششم تاریخ شفاهی مطبوعات در ایران مصاحبه با خسرو شاهانی، طنزنویس معاصر کشورمان، درج شده است. شاهانی به هنگام مصاحبه در بستر بیماری بود و متأسفانه حدود یک ماه پیش از انتشار آن، یعنی در ۲۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۱، درگذشت. او، در این مصاحبه، زندگی‌نامه و فعالیت‌های خود را در عرصه روزنامه‌نگاری و طنزنویسی بیان کرده است. خسرو شاهانی شرق در دی‌ماه ۱۳۰۸، در

خوانندگان بیشتری قرار دهد، به ناچار باید به زبان اکثریت روی آورد. لیکن تلاش نهایی کاشیگر بر آن است تا رابطه‌ای اجتناب‌ناپذیر یا پلی میان ادبیات صغیر و گرایش مسلط ادبیات قرن بیستم ایجاد کند. در این معنای آزادتر ادبیات صغیر، تنها به آثار نویسندگان اقلیت زبانی که زبان اکثریت را ابزار بیان و رسیدن به «دیگری» برگزیده‌اند محدود نمی‌شود بلکه آثار بسیاری از نویسندگان برجسته قرن اخیر را نیز، که به لحاظ اعتقادات و موقعیت‌های اجتماعی سخنی متفاوت، غیر از سخن اکثریت، داشته‌اند و شالوده‌های پذیرفته‌شده زبان و ادبیات اکثریت را متحول ساخته و در دل یک زبان عملاً بی‌نهایت زبان را به سخن درآورده‌اند، می‌توان ادبیات صغیر خواند. به بیانی دیگر، چنین نویسندگانی در رویارویی با وضع اقلیتشان پاسخ خود را در قالب تحول در زبان و ادبیات سرکوبگر اکثریتی که بدان تعلق ندارند نشان می‌دهند.

سپس، کاشیگر، با برشمردن نمونه‌هایی چند، می‌گوید: «با چنین نگرشی، پروست در جستجو می‌نویسد که کشف تدریجی و توأمان قابلیت‌های گم‌شده زبان فرانسوی و همجنس‌خواهی خود اوست و ژان ژنه به چنان فرانسوی [= زبان فرانسه] غنی از لحاظ واژگان دست می‌یابد که پس از ویکتور هوگو بی‌سابقه است؛ ضمن آن‌که زبان را چنان به سخره می‌گیرد که انگار از بازگفتن و بازنمودن هر واقعیاتی ناتوان شده است». آثار چنین نویسندگانی، ضمن غنابخشیدن به ادبیات جهانی، از بزرگ‌تر بودن دنیا خبر می‌دهند.

در جمع‌بندی مقاله، کاشیگر بار دیگر تأکید می‌ورزد که ادبیات قرن بیستم مظهر ادبیات صغیر-در مفهوم وسیع آن-را خورده است و پیام آن

داد، داستان طنزآمیز کور لعنتی او به اخذ جایزهٔ پرزرین سندیکا نایل شد. شاهانی تا پیش از شدت‌گرفتن بیماریش (سال ۱۳۸۰) با نشریات آتیه و جدول کتیبه همکاری می‌کرد.

از خسرو شاهانی حدود ۲۵ کتاب نیز منتشر شده که از جملهٔ آنهاست کور لعنتی، پهلوان محله، کمدمی افتتاح، وحشت‌آباد، آدم عوضی، بالاودی‌ها، پایین‌رودی‌ها، امضای یادگاری، الکی خوش‌ها، تفنگ بادی، گره کور، قهرمان ملی، فولکس دکتر بقراط، شیء مرموز، بازنشسته، تافتهٔ جدابافته، سفر با سفرنامه‌ها، گنج بادآورد، آیین شوهرداری، در کارگاه نمدمالی (۳ جلد).

آوازهٔ آثار خسرو شاهانی از مرزهای ایران نیز گذشته و بسیاری از این آثار، به همت جهانگیر دُری، در روسیه، به زبان روسی ترجمه شده است. آخرین آنها، با عنوان داستان‌های فکاهی و طنزآمیز فارسی، در سال ۱۹۸۸/۱۳۶۷، به همت انتشارات پروادا انتشار یافت.

خسرو شاهانی دربارهٔ طنزنویسی خود گفته است: «زندگی قصهٔ تلخی است که من از این قصه‌ها افسانه‌های شیرین ساختم». و، در جای دیگر، «طنز مثل سیل راه خودش را می‌رود، بعضی‌هاش به دل می‌نشیند، بعضی نه. بعضی گل‌ها قشنگ‌اند اما بو ندارند. بعضی نه رنگ دارند نه بو. طنز امروز و دیروز نداریم».

استاد خسرو شاهانی، پس از ماه‌ها بیماری، در سن ۷۲ سالگی، درگذشت و در قطعهٔ ۸۸ بهشت زهرا به خاک سپرده شد. یادش گرامی باد.

ح. د.

نیشابور، به دنیا آمد. او، به دلیل شغل پدرش که کارمند دولت و همواره در مأموریت بود، تحصیلات ابتدایی را در تربت حیدریه گذراند و در کاشمر و سبزوار تا حدّ سیکل اوّل (سال سوم متوسطه) ادامهٔ تحصیل داد. امّا، بر اثر فوت ناگهانی پدر در سال ۱۳۲۲، مجبور شد برای گذران زندگی وارد خدمات اداری شود. آغاز فعالیت مطبوعاتی او به اقامت سه‌ساله‌اش در زاهدان و همکاری با ندای زاهدان و پیام سیروس بازمی‌گردد.

وی، در مشهد، با روزنامهٔ خراسان به طور جدی، همکاری کرد. در این جریده، ستونی با عنوان «شوخی و خنده» به نوشته‌های طنزآمیز او اختصاص داشت که با اقبال خوانندگان روبه‌رو شد. در سال ۱۳۳۶، به دعوت مدیر روزنامهٔ جهان به تهران آمد. صبح‌ها در دفتر کیهان و بعدازظهرها در دفتر جهان کار می‌کرد. بعدها فعالیت خود را گسترش داد و در پست تهران، سپید و سیاه، روشنفکر، نور و ظلمت، توفیق و خواندنی‌ها قلم زد. از ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۵ نویسندهٔ برنامهٔ «سیروسفر» در رادیو بود. در سال ۱۳۳۸، از وزارت دارایی به طور کامل به روزنامهٔ کیهان منتقل شد و همکاری او با این روزنامه تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت. در کیهان، علاوه بر اخبار مجلس، مطالب طنزآمیز در قالب داستان و مقاله منتشر می‌کرد. در هر شماره از خواندنی‌ها، ذیل عنوان «کارگاه نمدمالی» سه چهار صفحه طنز و داستان با مضمون انتقاد اجتماعی می‌نوشت که با نام‌های مستعار آقامعلم، بیچهٔ خراسون، شادونه، شامبویه خراسون و نمدمال منتشر می‌شد.

خسرو شاهانی از بنیان‌گذاران سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود و، در مسابقه‌ای که این سندیکا در سال ۱۳۴۳ ترتیب

عمرانی، غلامرضا، «فرهنگ ظرفیت‌ها»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، سال شانزدهم (۱۳۸۱)، شماره ۶۳، ص ۵۱-۵۳.

مؤلف در معرفی مفهوم «ظرفیت واژگانی»^۱، مقاله را با شواهد و مثال‌هایی آغاز می‌کند. سپس با استناد به آراء الکساندر رومانویچ لوریا در زبان و شناخت به شرح و بسط آن می‌پردازد.

ظرفیت واژگانی عاملی ذهنی است که آمادگی پذیرش واژه‌ها و آرایش واژگانی آنها را تعیین می‌کند. لوریا با بیان روابط معنایی واژه‌ها با یکدیگر و با مصادیق آنها و مطالبی در حوزه روانشناسی زبان، می‌کوشد تا مفهوم ظرفیت واژگانی را روشن سازد و لزوم کاربرد آن را در فرهنگ (قاموس)ها نشان دهد. به نظر وی، احتمال وقوع واژه‌های گوناگون به لحاظ معنایی به شناخت گویشور از این پیوندهای واژگانی بستگی دارد.

در مقاله، بر این اساس، الگویی برای تدوین فرهنگ‌هایی با در نظر گرفتن ظرفیت واژگانی آنها پیشنهاد شده است.

ث. پ.

احمد موسی، «ماوراءالنهر»، کتاب ماه ۵۹، سال پنجم، شماره ۱۱، شهریور ۸۱، ص ۸۸-۸۹. مقاله در معرفی ماوراءالنهر، اثر محمد اللوزی به زبان عربی است در باب ادبیات و داستان‌نویسی فارسی. محمد اللوزی استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه محمد پنجم در رباط و زبان متن اثر او و ترجمه‌ها دقیق و روان است.

در مقدمه، عوامل پیدایش داستان‌نویسی

فارسی ذکر و با داستان‌نویسی عربی مقایسه شده است. نویسنده آثاری از دوازده نویسنده فارسی‌نویس معاصر-صادق هدایت، جلال آل‌احمد، جمال میرصادقی، سیمین دانشور، بهرام صادقی، غلامحسین ساعدی، صادق چوبک، نادر ابراهیمی، فریدون تنکابنی، صمد بهرنگی، اعظم رهنورد زریاب (افغانی)، سپوژمی زریاب (افغانی)-را به عربی فصیح و شیوا ترجمه کرده است. داستان‌ها به زبان اصلی نیز در کتاب درج و آثار ترجمه‌شده در بخش بررسی و نقد تحلیل هم شده است.

فهرست منابع فارسی تاریخ معاصر ایران، منابع درباره ادبیات و فرهنگ ایرانی، فهرست مراکز تحقیقاتی و پژوهش‌های دانشگاهی و ایران‌شناسی در جهان از ضمایم کتاب است. س. غ.

میرافضلی، سید علی، «ترجمه فرانسوی صد و یک رباعی منسوب به خیام»، [تألیف ژیلبر لازار]، نشر دانش، شماره ۱۹/۲، ص ۵۴-۵۶. رباعیات خیام تا کنون چندین بار به زبان فرانسه ترجمه شده است. از جمله مترجمان گارسن دوتاسی (۱۸۵۷)، ژان باتیست نیکولا (۱۸۶۷)، شارل گرولو (۱۹۰۲)، روبر دلپش (۱۹۱۰)، جمس هانری هالار (۱۹۱۲)، اودت سن لیس (۱۹۱۶)، محمد قزوینی و کلود آنه (۱۹۲۰)، ژ. م. کارپانتیه (۱۹۲۱)، فرانستس توسن (۱۹۲۴)، ابوالقاسم اعتصام‌زاده (۱۹۳۱)، آرتور گی (۱۹۳۵)، ایو-ژرار

1) Valence/Valency

باید تصویری از صورت اصلی شعر را به دست داد و از این رو، منظوم بودن ترجمه، به نحوی که هم طنین وزن شعر را در زبان مبدأ با خود داشته باشد و هم به سنت‌های شعری زبان مقصد وفادار بماند ضروری است. او، برخلاف بسیاری از مترجمان فرانسوی‌زبان خیام که قالب چهارپاره و وزن دوازده هجایی (alexandrin) را برگزیده‌اند، رباعیات را در قالب دوبند با ابیاتی کوتاه ریخته و در قافیه‌بندی هم به قافیه‌های اتفاقی و تقریبی روی آورده با این قید که یادآور قالب فارسی باشد بی‌آنکه عادات شعری فرانسوی‌زبانان را نقض کند. س.غ.



لودانتک (۱۹۵۴)، پی‌یر پاسکال (۱۹۵۸)، آرمان روبن (۱۹۵۸)، امیل دزیرون، شاعر بلژیکی (۱۹۵۹)، محمدمهدی فولادوند (۱۹۶۰)، شاپلن، شاعر فرانسوی (۱۹۶۹)، مصطفی فرزانه (۱۹۹۳)، ترجمه ترانه‌های خیام صادق هدایت و رباعیات خیام با همکاری ژ. مالاپلات) را باید نام برد.

یکی از جدیدترین ترجمه‌های فرانسوی رباعیات خیام ترجمه ژیلبر لازار است. او در مقدمه صد و یک رباعی خیام، به اختصار، درباره زندگی خیام و منزلت علمی و اجتماعی او، همچنین نسخه‌های رباعیات خیام و دلایل منتشر نشدن شعرهای او در زمان حیاتش، بحث کرده است. او بر آن است که در ترجمه رباعیات خیام

